

دوره نهم تقنيه

جلسه ۲۲۹

صورت مشروح

# مذاكرات مجلس

( بدون ملاكرات قبل از دستور )

۱۹ شهریور ماه ۱۳۱۲ - ۱۹ جمادی الاولی ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۵۷۹

قیمت اشتراك } مالیات  
داخه ، ۷۵ ریال  
خارجه ، ۱۰۰ ریال  
نك شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۱۲ هـ ۱۹۱ جمادی الاول ۱۳۵۲

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) ایراد آثر و تأسیف از فوت اعلیحضرت ملک فیصل پادشاه عراق
- ۳) تقدیم و تصویب لایحه تعیین تاریخ تصدیق های صدور
- ۴) بقیه شور اول لایحه تکمیل قانون اوقاف
- ۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس روز چهارشنبه ۲۵ شهریور ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای مرآت

مرآت - بنده را جز و دیر آمده نوشته اند در صورتیکه همچو چیزی واقع نشده و بنده هیچوقت از وظایف ارجاعیه قصوری نکرده ام

رئیس - در صورت مجلس نظر دیگری نیست ( خیر ) صورت مجلس تصویب شد

### ۲ - ایراد تأسیف از فوت اعلیحضرت ملک فیصل

رئیس - وصول خبر فوت ناکهان اعلیحضرت ملک فیصل پادشاه عراق خبری ناگهنگام و اتفاقی غیر متوقف بود ( صحیح است )

ما این ضایعه را مثل يك خبری که از ماوراء سرحد

بعاور عادی شنیده میشود تلقی نمیکندیم - چنانچه مشرک زیادی بین ما و دولت عراق موجود است که ما را در این مانع و سوگوار می - هم و شریک میکند ( صحیح است ) این پادشاه محبوب و برارنده وقتی که به مملکت ما آمد از قیافه مطبوع و رفتار نجیب و نیکوی خود در قلوب ما آثار زیادی باقی گذاشت - آن محبتی که در خاطر ما دوامت وجود داشت با مکارم اخلاقی خود محکم و پاینده ساخت ( صحیح است )

اشخاص لایق و نیکوکار که برای ملت خود مفید و با اثرند يك احترام طبیعی و وضعی پیدا میکنند که بشریت آنها را تکریم میکند و تمام ملل بچشم احترام به آنها مینگرند

عین مذاکرات مشروح سی و دومین جلسه از دوره نهم تقنینیه ( مطابق قانون و اندر ماه ۱۳۱۰ )

دايره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

غائبین بی اجازه - آقایان زعفر - نازی - امیر ابراهیمی - شیرازی - لاریاب کبکرم - عراقی - اسفندیاری - ...

غائبین بی اجازه - آقایان زعفر - نازی - امیر ابراهیمی - شیرازی - لاریاب کبکرم - عراقی - اسفندیاری - ...  
امیر تیمور - ضابطی بروجرودی - پوس آقا و هابیزاده - چایچی - کورس - معدنی  
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان قنویسی - اسدی - مرتضی قزوینی خان دیات - انصاری - اعظم زنکجه - دکتر ادهم - میرزا موسی خان مرآت  
طهرانچی - حاجی تقی آقا و هابیزاده - طهرانی - ارگانی - قوام - میرزا علی خان وکیل - شریعت زاده - میرزا - دکتر صیسی

خدمات پادشاه فقید بر ملت خودش ایشان را باین  
مهروریت بن الهلک نال ساخته و تقدان بهیچام لایحه  
علمی التساوی قیل و دتوار است (سجده است)  
با از جهت هم کثرت ووداد و محبتی که بین ملت عراق و  
ایران موجود است این حادثه را با عظمت و اهمیت که  
در خور آن است در بابات میکنیم و به ملت و خانواده  
جلیل سلطنت عراق تسلیم باد اطمینان میدهم که  
در رنج و اندوه ایشان سهم و از این واقعه مساوی با ایشان  
بتأثر و اندوهناکیم.

از خداوند توانا مسئلت میکنیم که روح این پادشاه شریف را  
در جهات خود پرورش دادم غریق رحمت فرماید (انشاء الله)  
۲- دور و اسباب لایحه تعیین تاریخ تصدیق های صدور  
رئیس - آقای سیاح.

سیاح (رئیس کل تجارت) - لایحه است از برای  
تعیین تاریخ تصدیق صدور که تقدیم میشود برای اینکه  
ممکن باشد که تاریخ تصدیق های صدور که دادم میشود  
از روز وصول خبر صادر کردن جنس از سرحد بگذرد  
که تصدیق صدور میدهد حساب شود.  
(بشرح ذیل فرات شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی  
بموجب ماده (۷) قانون انحصار تجارت خارجی  
مجموع ۱۹ هزار و سیصد و یازده تصدیقات صدور  
که اسباب مربوطه به آنها قبل از صدور جنس فروخته  
شده یا در موقع صدور جنس فروخته شود از تاریخ صدور  
جنس تا شش ماه اعتبار دارد و تصدیقات صدور یکماه  
آنها بعداً فروخته شود از تاریخ فروش اسباب تا شش ماه  
برای اخذ جواز ورود معتبر است. چون قبلاً هم به  
فروش اسباب باخود نمیشود تمام تصدیقات صدور مثل  
اسباب فروخته محسوب میشود و باید مدت اعتبار از روز  
صدور جنس تا شش ماه محسوب شود ولی اجرای این ترتیب  
از لحاظ اینکه کثیر کفایتها جا باید تصدیق صدور را پس از  
وصول اطلاع کتبی از کثیر کفایتها سرحدی مبنی بر خروج

همان دلالتی که عرض کرده ام و باز هم تکرار می کنم  
این تقریباً بلکه تحقیقاً يك جائزه است برای صادر کننده  
و این مدتی که قرار داده اید يك مدتی است که برای مصرف رساندن  
آن تصدیق صدور مجالی نیست تا يك استفاده میکند و خیلی  
مدت کم است و بجای استفاده ممکن است يك زحمتی هم  
بنویسند شود در صورتیکه این مسئله واضح است که  
همه ما مخصوصاً دولت باید مساعدت کند با شخصی که  
باین وسایکت جلب سرمایه میکنند. چون اینها عامل های  
خوبی هستند که هم میکنند محمولات داخلی را در  
بازار های خارجه بفروش برسانند. و هر قدر دولت بانها  
کمک کند که نوابدی ببرد بحال وسایکت مفید است و  
از این نقطه نظر بنده تقاضا میکنم که مدت اعتبار تصدیق  
صدور یکسال باشد.

رئیس کل تجارت - همان طوری که در فرا کیون  
بذاکره شد. این لایحه مربوط باین است که تصدیق صدور  
شود یا تغییر در آن ترتیب داده شود. فقط برای این پیشنهاد  
شده است که تغییر نشود در واقعه که خبر از سرحد دیر برسد  
و اسباب زحمت نمود. و البته آن فرمایشی که فرمودید  
مطلب اساسی است و دولت همی دارد کمک کند صادر  
کننده را و تقویق کند و این مطالبه لازم دارد پس از  
مطالبه اگر لازم شد تصدیق داده شود البته انجام خواهیم  
داد. و مجدداً پیشنهاد خواهد شد. ولی نتیجه مطالبه را  
باید دید که محتاج است به تصدیق یا نه.  
رئیس - آقای طهرانی.

طهرانی - بنده خواستم استدعای کرده باشم راجع  
به مدت دو روز چون قبلاً از تاریخ هراجه اشخاص به  
کمرک خانه تاریخ تصدیق صدور دو روز کرده اند و ممکن  
است تصدیق صدور هائی باشد که هنوز اشخاصی هراجه  
نکرده باشند و میخواهند از ولایات هم هراجه کنند  
آنوقت تبهیض بینشان خواهد شد. پس اگر مدت را بیشتر  
قرار دهند بهتر است. خواستم استدعا کنم که عرض ده

روز پانزده روز اگر قرار دهند بهتر است تا همه اشخاص  
بتوانند هراجه کنند.

رئیس کل تجارت - بنده موافقت میکنم پانزده  
روز باشد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده با اصل لایحه موافق هستم ولی بایست  
طوری باشد که تصدیق صدور هائی که بعد از این صادر میشود منظور  
این است که باید اینطور باشد نه تصدیق صدور هائی که قبلاً داده  
شده است. اگر چه شاید نظر دولت همین باشد برای اینکه  
قانون عطف به سابق نمیشود. از این جهت بنده خواستم  
تذکر بدهم که تصریح شود در اینجا و عبارت هم طوری  
باشد که تصدیق صدور هائی که بعد از این داده میشود  
ابتدایش از تاریخ وصول اطلاع نامه صدور جنس است  
چون عبارت طوری نوشته شده است که ممکن است اینطور  
ازش استنباط شود که بعد از وصول این قانون مدت اعتبار  
تصدیق نامه از تاریخ وصول اطلاع نامه است. و هنوز این  
است که بعد از این قانون باشد در صورتیکه اگر تصدیقی  
قبلاً صادر شده باشد شما روی همان مدتی که الان صادر  
کرده اند عمل میکنید. آنها را که دیگر بر نگردانید  
این را معتقد باید تصریح شود که مربوط به تصدیق از  
این به بعد است.

کاربرولی - چه عیب دارد آنها هم باشد. این عطف  
بها سبق نیست.

رئیس کل تجارت - آنهایی که صادر شده و داده اند  
البته مانعی ندارد و بقوت خودشان باقی است. این برای  
تصدیق صدور هائی است که تسلیم میشود و در کمر کفایتها  
مانده است.

رئیس - آقای کارزویی

کارزویی - يك اشخاصی بنظر آمد که آقای دکتر  
طاهری فرموده اند و آن این است که این عطف بواسطی  
نویسند ببنی يك قانونی نیست که سابق داده حالا از داد کنند  
این اعطای يك حقی است که حق بواسطی هم میشود.

**دکتر طاهری** - این اعطای است. سلب حق است  
**کاررونی** - مدت زیاد دادن، وجه دادن سلب حق نیست.

**رئیس** - پیشنهادی از چند نفر از آقایان رسیده است فرائت میشود؛  
پیشنهاد آقایان بیک پور و معلومی و فرشی و کادف و غیره این جانبان پیشنهاد میکنند مدت صدیق صدور یکسال مقرر گردد.

**رئیس** - آقای بیک پور  
**بیک پور** - بنده منظورم این بود همان طوری که برای جواز واردات یکسال مدت معین شده چون صدیق صدور یک جایزه است برای صادر کننده برای آنها هم مدت یکسال باشد.

**رئیس کل تجارت** - این مطلب همان طور که در فرآیند بود مذاکره شد و اینجا هم عرض کردم گمان می کنم بهتر اینست آقایان پیشنهادشان را پس بگیرند تا ما مطالعه کنیم. بعد ممکن است قبول کنیم.

**رئیس** - (خطاب به آقای بیک پور) شما حمایت میکنید از پیشنهاد خودتان  
**بیک پور** - بل.

**رئیس** - آقایان بیک پور این پیشنهاد را تصویب میکنند فایده فرمایند (اغلب فایده نمودند) تصویب شد. حالا این را ضمیمه لایحه کرده با اصلاح پیشنهادی که از آقای طهرانی رسیده اجابت کرده اند یعنی بجای ده روز پانزده روز مدت معین شده بعبارة آخری رأی میگیریم ماده واحد با افزایش کمی که از طرف آقایان پیشنهاد شد و اصلاح آقای طهرانی آقایان بیک پور موافقت دارند فایده فرمایند (اکثر فایده نمودند) تصویب شد.

**(۴ - باب شورا اول لایحه تکمیل قانون اوقاف)**  
**رئیس** - قانون اوقاف مطرح است. مذاکره در کلیات است. آقای ولید احمدی

**مهرآلی** - وزیر هستند. کی دفاع میکنند؟

معارف و اوقاف قانون سابق را اجرا نکرده محاسنی که در آن قانون هست و میتوانم توضیح بدهم آنرا برداشته اند و آمده اند این لایحه را آورده اند به مجلس این است که بنده متقدم این لایحه را آقای وزیر معارف پس بگیرند و حالا بایشان نشانی میدهم یاد آوری میکنم خاطر نشان میکنم که در ۱۳۰۰ شمسی که تقریباً دوازده سال قبل باشد یک لایحه تهیه شده در اداره اوقاف از آن سال تا بحال هم در این دوازده ساله هر وزیر اوقافی که آمده که بیرون هائی تشکیل داده و روی آن لایحه مطالعاتی کرده اند. و لایحه خرمی است. و بنده متقدم آن لایحه را بیاورید به مجلس و یک مرتبه تکلیف اوقاف را معین کنند ده سال است مجلس شورای ملی انتظار داشته که یک لایحه برای اوقاف بیاورند به مجلس ولی این آن لایحه نیست این یک لایحه است که قانون سابق را بکلی خنثی میکند. آقا میفرمایند بقوت خودش باقی است. این دو ماده متناقض است. آنچه نوشتند که در جمع و خرج متولی ها علی حساباً اوقافها اهلها نظارت شود. در صورتیکه در این لایحه نوشته در جمع و خرج متولی ها. علی حساباً اوقافها اهلها را برداشته اند. اگر آن است این چه چیز است. بنده نمی فهمم. اگر او بر قوت خودش باقی است این چیست بنده اساساً عقیده ام این است که این یک لایحه مالیاتی است که یک عشر بر اوقاف مالیات بسته اند پس میتوانیم در این موضوع حرف بزنیم. بعقیده بنده مواد دیگری قابل بحث نیست و از طرفی میتوانم عرض کنم موقوفات را یک شکل کردن حالا در آن لایحه که بنده عرض میکنم چون در زمانی که خود بنده رئیس اوقاف بودم آقای میرزا رضا خان نائینی رحمه الله علیه هم معاون وزارت معارف بودند این لایحه آن وقت تهیه شد در دوره آقای اعتماد الدوله آقای اورنگ هم تشریف داشتند بنده را دعوت کردند در وزارت معارف رفتیم. در این لایحه که تهیه شده بود بحث کردیم. آن یک لایحه علی است بعقیده بنده حالا یک لایحه آورده اند که عیناً همان مواد سابق است با اصطلاح سر و دست شکسته و آنوقت هم

میفرمایند که آن لایحه بقوت خودش باقی است. بنده عقیده ام که این چه چیز است اما عیبی را که در این لایحه هست و بنده در کلیات میخوانم تمام آنها و یک یک را عرض برسانم این است که موقوفات را آورده اند یک شکل کرده اند میگویند از همه عشر بگیرند. یک فرمایشی آقای هزار جریبی در جلسه گذشته گفتند که با آقایان توجه نشدند با دفاعی که کردند مربوط به موضوع ایشان نبود در ماده ۶ لایحه اوقاف که در ۱۳۲۸ تصویب شده و از مجلس گذشته است (خواستش میکنم آقای کفیل دست دقت فرمایند) در ماده ۶ در رفره ۳ بنویسد (یکی از وظائف اداره اوقاف این است که موقوفاتی که شخص پادشاه و رئیس دولت متولی هستند اداره اوقاف آنها را اداره کند) توجه فرمایند در رفره ۳ ماده ۶ - بنده خاطر می آورم است که آن دوره هم و قبل بودم در دوره سوم و دوره احمد شاه بود که ایشان اعتراض کردند و آمدند ماده گذرانند از مجلس که عین آن ماده را الان بنده بیرون نویسم کردم و حالا برای آقایان فرائت میکنم: ماده ۱۲ الحاق کردند بهمان قانون که این است اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که تولیت آنها مستقیماً راجع به شخص سلطان عمر است با اجازه سلطان عمر خواهد بود این ماده را گذرانند اعتراض آقای هزار جریبی این بود که شما در حالی که می بینید از وقتی که موقوفات خراسان و مسجد سهلا را اعلیحضرت همایونی اداره میکنند و از آن حال اسف اشغال که واقفاً مثل بود یحق خدا من دیدم بکفر اروپایی بکفر از دوستانش نوشته بود در ۱۳۲۵ که این مشروطه شده است و معنای مشروطه را کرده بود تماماً آخر کاغذ نوشته بود گول نخورید باین حرفهای مشتمع هر وقت دولت توانست موقوفات حضرت رضا را اصلاح کند آن وقت مطمئن بشوید که ایران مشروطه شده اینطور بود بملتان که یک موقوفه که تقریباً یک میلیون در سال عایدات دارد به آن حال بود که حضرت رضا مقروض بود و امروز می بیند بجمداق بقدری خوب اداره شده است (صحیح است) که مرخصخانه حضرت رضا امروز اول مرخصخانه ایران است (صحیح است) و آنچه بنده شنیدم میخواهند مدرسه طب مدرسه فنیکی مدارس عالیها تشکیل دهند

اصلاحاتی که در سخن و اطراف آستانه و در املاک شده و حکایت آن فلکه و فلان و فلان حالاشما را بخدا انصاف است که اداره اوقاف از این عشر بگیرد استثناء که نکرده‌اید در آن قانون نوشته باوزارت اوقاف است قانون بعد نوشته که با اجازه اعلیحضرت لیکن در این لایحه نوشته‌اید از کل اوقاف عشر بگیرید پس فرمایش آقای هزار جریبی این بود شما بطور از این موقوفات عشر بگیرید موقوفاتی که باین خوبی بمصارف میرسد میگیرید چکار کنید این را باید استثناء کنید پس باید در آن ماده يك بصره الحاق کرد که موقوفاتی که اعلیحضرت همایونی منولی هستند از پرداخت این مالیات مستثنی است این يك موضوع. موضوع دوم واقف استعدا میکنم باین عرض بنده دقت فرمائید دولت سالی يك میلیون تقریباً خرج معارف میکند از مدارس مدارس عالی و متوسطه و ابتدائی از جیب خودش پول دمی آورد و میدهد برای اداره معارف برای اینکه مردم این مملکت تحصیل کنند متوالفکر بشوند يك مردمی در سالهای قدیم روی يك عقابندی آمده‌اند يك املاکی را وقف کرده‌اند يك مدرسه‌هایی هم باز کرده‌اند و شرط کرده‌اند که مردم بیروند در آن مدارس تحصیل کنند آیا معارف همین مدارس ابتدائی و متوسطه است و آن مدارس قدیمه نیست آقا آن علوم و تحصیلات امروز بالحس و التجربة دیدیم که برایشان نایبند اشخاصی که تحصیلات قدیمه کرده‌اند در آن مدارس بگذاریم پهلوی هم یا اشخاصی که در مدارس جدید تحصیل کرده‌اند مینیم چند تفاوت دارد شما بان مدرسه از جیبشان پول میدهند و این مدرسه‌ها (ناسری - خیر اینطور نیست) آقای ناسری استعدا میکنم افتادگان را بگذارید وقتی بنده عرایض را کردم فرمائید بنده نکتم آنها معلومات ندارند اثبات شیئی قبی ماعدت نمیکند آن يك تحصیل است این هم يك تحصیل شما اگر خلاصه الحساب شیخ بهائی را توانستید در این مدارس بجهانید (صحیح است) بنده حساب را میگویم تاریخ را میگویم جغرافیا را میگویم منطق را میگویم فلسفه، اصول، فقه، آنها اینها را تحصیل میکنند در این مدارس هم يك ندوسی را تحصیل میکنند ولی بنده میخواهم بین وزارت معارف

اجرا کنیم حالا هم شنیدم در کمیسیون همینطورها صحبت شده است آقا امروز غیر از گذشته است امروز الحمد لله دولت قدرت دارد دولت اعلیحضرت پهلوی است تمام مردم با عقل شده‌اند امروز نمی‌شود در برده کار کرد باید مطالب را سریع خشت در ماده اول بنویسد منولی و متصدی بنده نمیفهم متصدی یعنی چه این لغت تازه پیدا شده ملک یا از طرف واقف يك منولی منصوص التولیه دارد در حد سال دویمت سال قبل از این آمده است وقف کرده است یا يك موقوفه بوده است که منولی نداشته است حاکم شرع آمده است اداره کرده است این را توجه فرمائید میگویند منولی منصوص التولیه از طرف واقف این را میگویند منولی بجهل شرعی متصدی بنده نمیفهم یعنی چه. متصدی یا مباشر است یا توکری که سرده میگذارند این را بنده نمیفهم (طهرانی - تولیت قانونیش ثابت نشده است ولی منولی هست) تولیت قانونیش ثابت نشده است یعنی چه؟ متصدی هست یعنی چه؟ در این لایحه بنویسد تولیت و متصدیان همچو میکند متصدیان را بنده نمیفهم یعنی چه متصدی عربی است متصدی يك کسی است که يك کاری را اداره کند یعنی چه؟ (کازرونی - سر تحصیلدار است - خنده نمایندگان) شاید غرض سر تحصیلدار است این است که خدمتان عرض میکنم بنده یادداشت‌هایم زیاد است و انشاء الله اگر لایحه را آقای کفیل استدعای ما را پذیرفتند و پس گرفتند و رفتند آن لایحه را آوردند حرفی نداریم لیکن اگر چنانچه میخواهند این لایحه را خدای نکرده مجلس رای داد که داخل مواد شویم بنده در ماده عرایض خودم را مفضلاً عرض خواهم کرد. این لایحه توافق زیاد دارد آن اصل اساسش همین است که عرض کردم آن لایحه سابق بر قوت خودش باقی است اینها را هم ما تصویب کنیم در آخر میخواهم عرض کنم توجه فرمائید آقا خوب حالا آمدیم يك عشر را مطابق این قانون گرفتیم از مدارس هم مالیات گرفتیم از معارف قدیم هم مالیات گرفتیم از موقوفات خاصه هم مالیات گرفتیم آنوقت این را چکارش میکنید؟ نوشته خرج اداره اوقاف و اگر مازادی پیدا کرد بجهت این خلاصه‌اش است عرض کنم حضور مبارک عالی که در سابق بنده خاطر منم بر خلاف

بنده برهائی و صحیح و منطقی است لجاجت که باهم نداریم ما هم نمیخواهیم لایحه آقا را رد کنیم عرض میکنم اصلاحش کنید قانون سابق را بیاورید قانون لاحق را هم بیاورید بگوئید آقا در سابق يك چنين لایحه تهیه کرده اند و اصلاحاتی بکنید که يك چیز اساسی باشد والا این هیچ فایده ندارد فقط يك مالیات و يك عثری خواهند گرفت (صحیح است)

**کلیل وزارت معارف - (آقای محسنی) -** بیانات نماینده محترم صحیح است نه بطور کلی برای اینکه کارها را مقایسه میکنند با دوره سابق و حال آنکه اینطور نیست دوره عمل و کار است (مؤید احمدی - این ده سال هم دوره عمل بود) امروز اگر کسی کار نکند دوام و بقائی نخواهد کرد. آن شخصی که در رأس مملکت است و در هر رشته شروع با اصلاحات کرده است این قسمت را هم نخواهد گذاشت مثل سابق بماند. مطالبی فرمودند راجع بموقوفاتی که مستقیماً در تحت تولیت شخص اعلیحضرت است این هیچ شکی نیست نه فقط در تولیت آن موقوفات بلکه در هر قسمت از مملکت کاری شده است و بشود فقط بکنفر است که کار میکند و آن بکنفر هم بقدر کفایت آدم ندارد از همین چرخهای پوسیده جلو میکشد و امتحان میکند که کاری از اینها ساخته هست بانه پس اگر يك چیزی مستقیماً در تحت اداره آن وجود مقدس باشد البته هیچکس حق دخالت ندارد بنده هم موافقم با آقای هزار جریبی پیشهاد خودشان را بفرستند بکمیسرین و این لایحه هم دوشوری است آقایان رفع نواقض را میکنند در خارج هم بنده شنیدم این لایحه خیلی نرم و ملایم است و باید يك قدری سخت تر باشد که موقوفات بیشتر نظارت بشود این قانون بسته باین است که دست کدام مجری باشد عرض کردم همان قانون سابق را اگر در همان دوره های قزرت که دوره عمل نبود قوت و قدرتی در کار نبود موفق میشدند درست کار میکردند قانون تازه لازم نداشت يك نمونه این کر چه راجع میشود بتعریف خودم و خوب هم بست در آذربایجان قانون اوقاف همان

کاری که آن مدارس قدیم کردید ما نکردیم مدارس جدیدی تا وقتی که خود مردم در صدد تعلیم و تربیت برنیایند فایده ندارد. يك وقتی بنده خودم يك لایحه بانگلیسی راجع بمدارس قدیمه در یکی از روز نامه های انگلستان نوشتم مقایسه کردم مدارس قدیمه را که در قرون وسطی کنش ها در اروپا داشتند نمیخواهم بد گوئی کنیم اما اهل تحصیل و علم اینجا زیاد است آن مدارس در سر کوه ها و دیر ها که دایر بود منحصر بود به اولاد سبببورو و پسر های کنش ها و اهالی و اعظم و در مدارس قدیمه شما بابد و کراسی از قدیم باز بود چنانکه دیدید چقدر دهاتی ها وارد شدند در آن مدارس و نتیجه تحصیل ایشان این شد که به وزارت و مقامات عالییه رسیدند که همه میدانیم حقیقت علم و معارف در آنجا بود و این که میگفتند جامع معقول و المنقول برای اینکه آن علوم محدود بود حتی امراء و شاهزادگان ما تحصیل ایشان شطرنج بازی بود اسب دوایی بود شناوری بود چیز های فنی که امروز در ورزش تحصیل میکنند آنوقت بود تمام تحصیل میشد حکمت بود فلسفه بود علوم فقه و اصول بود علوم ادبی بود همه چیز بود حالا ببینید که مردم میخواهند نان بخورند مقتضیات و اوضاع عالم طوری است که متوجه شده اند به آن قسمتی که از آن نان بیرون می آید این است که تحصیلات نفس اروپائی در میان ما پیدا شده است یا ما با اروپائی در عستانش هم حرفی نداریم ولی این دولت قوی که در فکر اصلاح همه چیز است قانون منافیات غت راه آورد این چیز ها را هم متوجه است همین قانون را که میگذراند برای این است که آن مدارس محفوظ بمانند همین قانون برای این است که آن طلاب بتوانند تحصیل کنند الان در این صدد هست (حالا عرض نمیکنم خود بنده) که این طلاب که از این مدارس بیرون می آید بیکر مانند يك چیزی بنویسند که اگر خیلی خوب تحصیل کرد عدلیه لازمش دارد معارف لازمش دارد استفاده کند وای وقتی که این مدرسه طوری باشد که در حال خرابی باشد نه موقوفه دارد بنایش هم خراب شده است

نه سرپرست دارد این را نمیتوان حفظ کرد يك کسیکه افتاده است و در حال مرگت نمیشود حفظ کرد ولی بی اعتنائی بآنها مدارس نشده است و نخواهد شد. نظر اولیای دولت نظر آن کسی که امروز خادم معارف است بر این است که علوم قدیمه محفوظ بمانند در خود اروپا صحبت میکنند که آیا این مدارس ابتدائی و متوسطه عالم تهیه میکنند یا خیر عالم را بزور نمیشود تهیه کرد علم پس از آنکه مقدمات تحصیلش تمام شد از مدرسه بیرون آمد میفهمد تازه اول کار است آنوقت است که او عالم میشود پس چه شده که تمام ممالک متهمندنه تعلیمات اجباری و مجانی را برقرار کرده اند حالا ما ببینیم که هنوز بعضی اشخاصی که ملتفت نکات نیستند و از معارف بیخبرند خیلی حمله ها بمعارف میکنند حتی يك اشخاصی در خارج که از معارف بکلی اطلاع ندارند سواد فارسی هم ندارند همی در اطراف میگوبند که معارف فلانجا پیش خراب است پرگرام شما ناقص است فلانجا پیش معیوب است اما اینقدر حق یکسانی که در معارف کار میکنند دیپلم دارند تحصیل کرده اند نمیدهند آخر ملاحظه بفرمائید آنها هم برای شما کار میکنند فرقی میان شما آقایان و آنهاست که در معارف هستند که نسبت آنها ملتفت هستند که امروز نمیتوان تعلیمات را اجباری کرد وقتیکه دولت میگوید که تمام شما مجبورید اطفالتان را بفرستید بمدرسه در مقابل باید مدرسه باز کنند بودجه اش را هم داد و مجلس هم در مقابل عشقی که بمعارف دارد اجازه داد آقایان تصویب فرمودند ده میلیون فرض محال که محال نیست اما با کدام دست این ده میلیون به مصرف برسد در کدام مدرسه این مدرسه هائی که می بینید بنایش تاریک مرطوب خفه هوا ندارد فضا ندارد بچه از اینجا بیرون می آید رانی نیمی زمانه می چه بسا امراض که نخمش در این مدارس کاشته میشود در سن بین هیجده و بیست و پنج **کاروانی -** معام خودش مرخص است (خنده نمایندگان) **کلیل وزارت معارف -** این است که نمیتوان تعلیمات را اجباری کرد پس تعلیمات را اگر ممالک متهمندنه

اجباری کردند برای اینست که هیچکس بی‌واد نماند برای این نیست که همه عالم بشوند چون همه را میتوان عالم کرد اما همه را میتوان با سواد کرد بقدری که بتوانند حسابی که در دکان بنویسند بلد بشوند در مالک متمددنه وقتی که میخواهد مدارس باز شود اعلان میکنند که چه وقت باز میشود همه میدهند دردهات پانزده روز پس از افتتاح مدارس کدخداها خانه‌ها را میگردند اگر طفل هفت ساله باشد این طفل را از دست پدر میکشند بیرون و میگویند حق نداری این را بفرستی قالی باقی باید در مدرسه تحصیل کند اگر بگوید که من درس میدهم در پیش یک معلم خصوصی میگویند بسیار خوب ما این را میخواهیم که این مقدار از پرگرام را باین طفل هفت ساله دس بدی هر جور که میخواهی دس بدی در اینجا اگر دولت نکرده است ایرادی بر ما ایرانیها نیست این را بدانند در سنه ۱۷۹۳ چهار سال بعد از انقلاب کبیر فرانسه تسلیمات اجباری شد اما همان وقت بموقع اجرا گذاشته شد اخیراً يك قرن بعد در سنه ۱۸۷۸ بموقع اجرا گذاشته شد همبطور در انگلستان . چرا همین موافقی که ما امروز داریم آنها هم نداشتند پس این مدارس برای این نیست که عالم بیرون بدهد مدارس قدیمه بیشتر عالم بیرون میداد برای مقتضیات آنوقت علومى که آنوقت نداشتند . چرا اینک حقیقتاً جلو چراغ کم نور روی حصر شب تا صبح زحمت میکشید تحصیل میکرد و بعد بیرون می‌آمد از میان آنها اشخاصی که حقیقتاً عالم بودند و بمان نظری که عرض کردم که باید افراد مملکت عالم بشوند مدارس ابتدائی ما هست نه برای اینکه عالم درست بشود نباید آنها را مقایسه کرد با فلان مدرسه که خواجه نظام الملک بیرون آمد عرض میکنم که این مدرسه برای نظام الملک ساختن نیست این مدرسه برای همین است که ملاحظه میفرمایید چون يك صحبت دیگری هم این روزها هست این را عرض میکنم که آقایان دفاع کنند يك جمله به معارف می‌شود که چرا همه مدارس متوسطه را بولی کرده‌اند این را هم خدمت‌تان عرض میکنم که در هیچک از ممالک متمددنه مدارس متوسطه مجانی نیست هر کس می‌تواند برود تحصیل کند هر کس نمیتواند نرود يك

حساب خودش را بنویسد و حالا ما در صدد هستیم يك كری بکنیم که این چند مدرسه را بتوانیم اداره کنیم که از این فرود الا آن میگردیم در این جا به (البته پیش از دوپست قر به بنده توصیه کرده‌اند) بینیم کیست که آن علوم قدیمه را خیلی خوب بداند؟ و از او استفاده بکنند یاورند اینجا در مدرسه سه‌ساله یاد وزارت معارف یا در مدرسه حقوق از او استفاده کنند که علوم قدیمه هم از میان فرودمانی که زبانش ازین رفت آن مات قابل دوام و ثبات نیست (صحیح است) علم و معرفت دو قسم است یکی آنچه که داریم حفظ کنیم و آنچه نداریم از دیگران اخذ کنیم البته وزارت معارف متوجه است نیست دولت بیشتر همان چیزهایی است که آقای مؤید احمدی تذکر دادند. اما اینکه فرمودند متولی یا متصدی. خیلی اشخاص هستند که يك وقف را در دست دارند و معلوم نیست که چه عنوان در دست دارند ولی فعلاً متصدی است اسم دیگری که برای این نمی‌شود گذاشت مباشر که قرار نداده‌اند متولی که او را قرار نداده‌اند وقتی که این سمتها را نداشت کلمه دیگری هم چون نبود ظاهراً عنوان تصدی را دارد این است که این را نوشتیم. یاو میگویند شما آقا چه سمت دارید شما چه عنوان متصدی بودید. اینهم که عرض کردم اوقاف در همه جا اداره و تشکیلات نخواهد داشت لازم هم ندارد فقط در مراکز مهمه و اگر چنانچه دردهات هم لازم باشد همانطوری که برای ثبت اسناد میروند میگردند میروند پیدا میکند پس باین جهت درخانه مینوانم بگویم که اگر آقایان نظری دارند پیشنهادشان را بفرستند بکمسیون.

رئیس - آقای میرزائی

میرزائی - مطالبی که لازم بود در این قسمت مذاکره شود بطور کامل آقای مؤید احمدی فرمودند و يك قسمت‌هایی را هم که لازم هست و بنده بنظم رسیده است به عرض آقایان می‌رسانم يك قسمت مهم فرمایش آقای مؤید احمدی قسمت عشریه بود که چه جهت دارد و در صورتیکه خود آقای کفیل محترم تصدیق دارند که این مدارس قدیمه خیلی مفید است بحال مملکت و ملت علت این که يك عشر از آنها گرفته شود چیست

و حقیقتاً ظلم است برای اینکه این يك عشر بمصرف همان مدرسه که برسد عده زیادتری تحصیل میکنند و بعد نعمتان بیشتر است برای مملکت و دیگر اینکه اساساً این لایحه بقیه بنده بحال کلیه اهالی این مملکت مضر است برای اینکه يك زحمت کلی تولید میکند. چرا حالا بنده کار ندارم باین قسمت استفاده که اشخاصی که متصرف هستند یا متصدی هستند یا متولی هستند مشروع یا غیر مشروع این را کار ندارم ولی در هر حال يك قسمت مهم این مملکت و این ملت از همین محل موقوفات ارتزاق میکنند و تأمین زندگانی خودشان را میکنند و تمام این مملکت را اگر احصایه بفرمایید ملاحظه میفرمایید بیشتر از ده بیست پایی قر نیستند که موقوفات زیادی در دستشان باشد پس تمام زحمت و خدمات این لایحه متوجه است يك اشخاص ضعیف از قبیل یوه‌زها و سفار و بنده در قسمت خراسان چون موقوفات خیلی زیادتر است زیاد دهندهام مثلاً در يك ده يك باغی هست که آن باغ دوپست تومان بیشتر قیمت ندارد و سالی بیست تومان پانزده تومان عایدات این باغ بیشتر نیست يك عائله از این ارتزاق میکند همان طور که آقای کفیل محترم فرمودند شخص خدمتگذار در این مملکت فقط يك نفر هست و آنهم شخص اعلیحضرت پهلوی است حقیقتاً همه تصدیق دارند و تصور فرمودند کفیل محترم که همه جا مثل آنداپاجان و آن مدت تصدی ایشان است نه آقا این طور نیست برای این که مادیدیم منصفان اوقاف را در تمام مملکت اشخاصی هستند که عمل خوب ندارند اشخاصی هستند که بد سابقه هستند بد کار میکنند وقتی که دست حساب کنیم اشخاص بدمان زیادتر است آنوقت می‌افتد اینها بجان يك جمعیت کثیر که شاید اکثریت مملکت را تشکیل میدهند و يك زحمتی تولید خواهند کرد و بالاخره يك روزی پشت همین نیروی همین کفیل محترم يك وزیر می‌آید و این لایحه را پس خواهد گرفت فقط يك اداره اوقافی تهیه خواهد شد که دوپست، سیصد نفر عضو و نماینده خواهد داشت که از این محل زندگانی آنها را تأمین میکنیم اما از آن طرف حسابش را باید بکنیم که صد هزار نفر مردم بیچاره و اشخاص ضعیف ممکن است ازین بیرون بروند اگر نظری دارند و واقفاً يك اشخاص متفانی هستند در

مملکت که موقوفاتی را در مملکت میرسد و میخوردند برای این ده پانزده متر یک قانونی بطور کلی نباید بکنند این نام این که میخواهد موقوفات را از چنگال فلان بیرون بیاورد این قانون متوجه می شود قسمت اکثر این مملکت از یوه زن و فقیر و بیچاره آقا یک درخت کردو در یک باغ هست سالی دو هزار کردو بیشتر ندارد و این وقف است و این محل نان یک یوه زن است خواهد دید که میروند نوی سرش میزند و بیچاره اش میکند ولی آن کسی که مبلغ زیادی از موقوفات را میخورد یا همان متعددی موقوفه خواهد ساخت و باز هم خواهد خورد آقا در مملکت با مردم فقیرند و مردم اطلاع ندارند که بتوانند از حقوقشان دفاع کنند مثلا یک قسمت راجع به وقف نامه است چه با وقتنامه های در این مملکت هست که اساس ندارد بنده چندین ملک در خراسان به شما نشان میدهم که چهار وقتنامه دارد که هیچکدام عملی نشده است فلان پسر عمو با فلان پسر عمو عداوتی دارد آمده است یک وقتنامه دست کرده است و سی تا هم بهش زده است و ممکن است یک مدتی هم تعقیب کرده باشد و بعد هم مرده خیلی از موقوفات هست که وقتنامه های متعدد دارد ولی وقتنامه را اهدا نمی شود ترتیباً داد تصرف شرط است باید به بنیم چه ترتیب این جریان داشته و ممکن است اداره اوقاف یک وقتنامه پیدا کند مال یا حد سال قبل سیصد سال قبل و چه بسند به یک بیچاره متصرف یک ملک که این جا وقف است با جواب بده و محمول گذشته را هم حساب بده این کار تولید زحمت از برای مردم خواهد کرد و عقیده بنده هیچ سبب ندارد دیگر آدمی راجع به قضیه موقوفه اولادی آقا در موقوفه اولادی چه تقصیری کرده این بیچاره واقف که آمده برای این که اولادش صغیر بوده خواست است ملکش را حفظ کند که این چه ناچند رشد برسد این ملک را فروشد آمده است فکر کرده است که اولاد من بعد از چند سال ناچند رشد برسد این را حق فروش ندارد این شخص چه گداهی کرده است که شما از این ملک مالیات میگیرید مالیات ملکی را در این مملکت صدی سه و نیم بستند چه جهت دارد که از املاک موقوفه یک عشر گرفته شود و یک عشر شد مالیات بگیرد از یک ملکی که هیچ فرقی بین او و سایر املاک

نست فقط این بیچاره تقصیرش این است که این ملک را وقف کرده است که اولادش فروشد این چه نظری داشته غیر از این که اولادش فروشد آنوقت یک عشر از این ملک مالیات گرفتن بنده میدانم چه صورتی دارد و حقیقتاً برخلاف اصناف است (دبستانی - مالیات نیست حق الظاهره است) اما حق الظاهره همانطور که آقای وزیر محترم عدلی در جلسه گذشته فرمودند که مقررات و اوقاف محترم است همانطور که شما شرایط وقتنامه را بدانید جاذب کرده اید که اگر یک واقفی شرط کرده باشد ملکش را بیچاره ندهند اداره اوقاف حق ندارد بلام کند که اجازه بدهند اگر در یک وقف نامه شرط شده باشد که احدی حق دخالت در این موقوفه ندارد شما چکار میکنید (دبستانی - این شرط متروک نیست) خوب این را بنده سوال میکنم از آقای محترم که باین چه مامله خواهد کرد؟ (دبستانی - این شرط مشروع نیست - نمی شود گذاشت عایدات وقف را بخورند)

رئیس - (خطاب به دبستانی) - آثار عایدات کنید.

میرزا علی - شرط شده است در وقتنامه که حق حساب کشیدن از متولی ندارند این را چه کار میکنید و از همه مهمتر عقیده بنده اگر هم بنا شد یک لایحه تنظیم شود یک لایحه تهیه کنید (دبستانی - این لایحه فوق العاده خوب لایحه است) اجازه بفرمائید بنده عرضم را بکنم بعد هم حضرتعالی فرمایشی دارید تشریف بیاورید اینجا بفرمائید با هم گوش کنیم بیعقد بنده طوری باید لایحه تنظیم شود که اسباب تشویشی برای مردم آتی نباشد چرا برای اینکه یک زمانی بود مردم روی یک عایدی یک املاکی را وقف میکردند که به صرف روضه خوانی یا یک مصرف خیریه برسد حالاً هم مردم هستند که آرزو میکنند یک قسمت از مالشان را وقف کنند برای سبزه برای مدارس و سرسبزخانه ها آنها این کاری که شما میکنید این چاره گیری میکنید این کار مردم را بیترساند چنانکه فرسازند و یک قسمت املاکشان را اگر وقف بود به نیت ملک دادند و از بین رفت شما با این ترتیب مردم را مأیوس میکنید که در آتی ملکشان را وقف نکنند برای اینکه یک عشر از مالش بدون هیچ جهت صرف یک مصارفی میشود

چگونه ابتدا طرف میل و علاقه و عقیده و دلبستگی او بوده او شاید هیچوقت راضی نبود که ملک را برای سرسبزخانه یا مدرسه وقف کند یا برای بریات وقف کند یک کاری میکنید که مطابق نظر واقف عمل شود این مطالب را که سوال کردم استدعا دارم که آقای کفیل مجرم جواب بدهند که اگر یک واقفی آمده باشد شرط کرده باشد که هیچکس حق دخالت و حساب کشیدن از این موقوفه را ندارد این را چه خواهید کرد؟

مخبر - چون آقای رهنما موافقت ایشان جواب میدهند.

رئیس - آقای رهنما

رهنما - بنده مثل بعضی از رفقا در ابتدای طرح این لایحه فکر نداشتیم در این موضوع صحبت کنیم و عقیده داشتیم که این لایحه خوب و مفیدی است و زودتر از مجلس میگذرد ولی البته مجلس جای صحبت جای بحث جای اظهار عقیده جای کربتیک جای این حرفها است آقایان رفقا نظریاتی داشتند در این لایحه بیان کردند و بنده هم بنوبه خودم که یکی از وراقین این لایحه هستم منتهی که هر چه زودتر این لایحه بگذرد یعنی در جلسه قبل اگر میگذشت بهتر از این جلسه بود و از نقطه نظر اوقاف و از نقطه نظر خیرات عمومی و برات بهتر است که هر چه زودتر بگذرد از این جهت عرض میکنم و عرض خودم را هم خدمت آقایان بمریض قضاوت میگذارم اولاً زائد است که ما بگوئیم که اوقاف و موقوفه یکی از یادگارهای خوبی است که پیشینیان ما برای ما بیاد کار گذاشته اند این یک کار بسیار خوبی است یک غری دارای یک فکری بودم است و دارای یک دارائی بودم است و دارائی خودش را در راه فکر خودش وقف کرده است این بهترین جن عمل و بهترین کسی است که نشان میدهد فکری دارد که دارائی خودش را در راه فکر خودش صرف میکند آمده است گفته است برای فقرا آمده است گفته است برای تریزه آمده است گفته است برای بدبخت ها بالاخره بقناست افق

فکری و دهانی خودش و مالی خودش را وقف کرده است این موقوفه کم کم از آن شکل و از آن وضع و از آن صورت و از آن فکر عالی تبدیل می شود به آن خارجی شده یعنی آن موقوفه که واقف از نقطه نظر خیرات عمومی وقف کرده آمد کم کم عوض شد و شکل یک منبع عایدی و یک مرکز پول و نگهداری وادی شد که اشخاص برای خودشان استفاده کنند (بسیج است) در این جای شیوه نیست از این هم گذشته سابق بر این مثلاً یک موقوفه بود که صد هزار تومان بده هزار تومان با پنجاه هزار تومان عایدی داشت یک نگهداری از آن صرف میشد و یک نگهداری هم صرف نمیشد کم کم آمد شکاش هم عوض شده و مالک شد آنوقت می بینیم که از آن نیت عالی واقف نیت بسیار خوب اوقاف یا منحرف شد تمام آقایان نمایندگان و حتی آقایانی که مخالف بودند در این قسمت (برای این که مخالفت آقایان در واقع برای تکمیل و تصحیح لایحه است) نظریه موافقی دارند و اصولاً همه موافقت کرده با نیت مسئله موقوفات را مرتب کرد آنوقت در اطراف این عقیده باز بحث زیاد میشود بعضی ها میگویند که موقوفات خیلی زیاد است حتی مبالغه میکنند بعضی میگویند پنجاه میلیون موقوفه داریم بعضی میگویند هشتاد میلیون موقوفه داریم صد میلیون موقوفه داریم ما اگر نسبت افراطی فقیر را بگیریم وحدت و تبدیل را بگیریم در هر صورت یک منبع عایدی عمومی است که میتوانیم با اداره آن خدمتی بپردازیم جناعت و مؤسسات صحتی و دارالایتم و دارالبحر و آن گروه بدبختی که محتاج مساعدت هستند و در راه جا باید آنها مساعدت کرد بکنیم این لایحه چندین قسمت دارد یک قسمت آن این است که از عواید آن موقوفه کرده اند که یک عشر بگیرند در این قسمت بنده باید عشره واقف حتی واقف که بیشتر باشد مثلاً اگر دو عشر بکنند و اختصاص بدهند به دارالبحر و دارالایتم و مؤسسات صحتی به کتب برای ولایات بخار و با مالاریا و بردن در میان زارعین خیلی بیشتر هم باشد خوب است در هر حال دولت جد و تبدیل را در نظر گرفته است و یک عشر پیشنهاد کرده است یک عشر هم زیاد نیست



و خیلی خیلی خوب است حالا آمدیم در این قسمت در آن محل که گفته میشود سابق عزیز خودم آقای مؤید احمدی فرمودند برای اداره اولاد البته اگر از نظر اوسان ما قضیه را بگیریم و خیال میکنیم که این يك عمر صرف اداره اولاد و تکلیفات میشود و صرف اداره و دالره و نماینده در ولایات بدود بنده خیال میکنم که این فکر کفیل مهارت نیست و نه تنها ایشان با این فکر موافق نیستند بلکه همه نظر دارند که اداره اولاد خیلی کوچک و مختصر باشد و این يك عمر اول باید اختصاص بآن تکلیفات کوچک داده شود برای اینکه از بودجه عوامی که نباید صرف آنجا بکنند و بعد هم البته صرف خیرات و صرف امور صحتی و صرف کارهای مفید بکنند از همه اینها گذشته بنده برای اینکه بدانم آقایان نمایندگان موافق هستند که این قضیه زودتر حل شود و به عمل نزدیکتر شود و برای اینکه دولت مملکت و وضعیت اجتماعی اقتضا میکند که ما فکر حرف بزیم و بیشتر عمل کنیم بنده عقیده ام این بود که آقایان نمایندگان آنچه نظر دارند اگر در این لایحه موافق می بینند اگر مواد مهمی می بینند و اگر میخواهند بتناسب فکر خودشان در این زمینه عمل بکنند ما عاجزاً اینرا از مجلس خارج کنیم برود برای خود دوم با پیشنهادهای که آقایان میدهند آنوقت وقتی که پیشنهاد دولت آنجا مورد مذاکره قرار بگیرد و زودتر هم تصویب میشود بعضی از نمایندگان = مذاکرات کالی است

**شریعت لاده = بنده با کفایت مذاکرات مخالف**  
**رئیس = بفرماید**

**شریعت لاده = بنده معتقدم مذاکره در کفایت برای**  
 این است که راجع باصل لازم بودن يك قانونی اظهار نظر شود یا عکس بنوی گفته شود لازم نیست به عقبه بنده در خصوص لزوم وضع این قانون در کفایت باید مذاکره کرد و باید راجع با اهمیت و بودن این قانون صحبت کرد بنده شخصاً از لحاظ شیجه و تنهایی که در این قانون کردم این قانون را یکی از مهمترین قوانین بدانم از لحاظ علاقت جاهه و اینطور فکر میکنم و می بینم که عدد از همکاران ما راجع باصل لزوم این قانون دلیل دارند و بعضی معتقدند که مضرتی دارد و در لزوم آن تردید دارند باین جهت بنده معتقدم که آقایان اجازه بدهند راجع بکفایت صحبت شود و نظریاتی که آقایان دارند در اصلاح مواد مذاکره شود آنوقت پس از مباحثه و اظهار نظریات میرود بکمیسیون و با يك طرز صحیحی میآید بمجلس

**رئیس = آقایانیکه مذاکرات را در کفایت این لایحه کالی میدانند پیام فرمایند**  
 (چند نفری پیام نمودند)

**رئیس = کالی ایست**  
**[ ۵ - موع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]**  
 بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

**رئیس = بفرماید جلسه را ختم کنیم ( اظهار شد - بل )** بنابراین اجازه بفرماید که جلسه ختم شود جلسه آینده پنجشنبه ۲۳ شهریور ساعت قبل از ظهر دستور جلسه خود این لایحه .

**( مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد )**  
**رئیس مجلس شورای ملی - دادگر**

# قانون

تعیین تاریخ شروع مدت اعتبار تصدیق صدور

ماده واحده - از یازده روز پس از تصویب این قانون مدت اعتبار یکساله تصدیقهای صدور از تاریخ وصول اطلاع نامه صدور جنس از سرحد به گمرکخانه صادر کنند و رفته تصدیق محسوب میشود .  
 این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه نوزدهم شهریورماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .  
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

### اصلاح مواد ۴۳۵ - ۴۳۶ و ۴۶۴ قانون اصول محاکمات جزائی

( مصوب کمیسیون قوانین عدلیه )

ماده واحده - مواد ۴۳۵ - ۴۳۶ و ۴۶۴ اصول محاکمات جزائی بطریق ذیل اصلاح و از اول مهر ماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذارده میشود.

ماده ۴۳۵ - هرگاه وزیر عدلیه قرار با حکمی را مخالف قانون دانست میتواند توسط مدعی العموم دیوان تمیز نسبت به آن تقاضای تمیز نماید اگر چه اصلاً آن فرار یا حکم قابل تمیز نباشد.

ماده ۴۳۶ - در تمیزی که وزیر عدلیه میخواهد هیچ شرطی ملحوظ نیست اعم از این که در مدت مقرر باشد یا خارج از آن ولی رأی دیوان تمیز اثری برای طرفین دعوی نداشته و صرفاً برای حفظ قانون است.

ماده ۴۶۴ - هرگاه محکمه که جزاء رسیدگی مینماید فرار یا حکمی صادر کند و هیچیک از طرفین در مدت مقرر نسبت به آن تقاضای تمیز نکند مدعی العموم دیوان تمیز میتواند در صورتیکه آن فرار یا حکم را مخالف قانون بداند برای حفظ قانون نسبت بآن تمیز بخواند اگر چه اصلاً آن فرار یا حکم قابل تمیز نباشد - رأی دیوان تمیز در این مورد برای هیچیک از طرفین دعوی مؤثر نیست.

چون بموجب قانون ۴ تیرماه ۱۳۱۲ وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبور را تکمیل نموده تائیداً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید \* علیهذا ( قانون اصلاح مواد ۴۳۵ - ۴۳۶ و ۴۶۴ قانون اصول محاکمات جزائی ) مشتمل بر يك ماده که در تاریخ هیجدهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است.

## قانون

### الحاق ماده ۲۲۷ مکرر بقانون مجازات عمومی

( مصوب کمیسیون قوانین عدلیه )

ماده واحده - ماده ذیل در تحت نمره ۲۲۷ مکرر بعد از ماده ۲۲۷ قانون مجازات عمومی بقانون مزبور اضافه و از تاریخ اول مهر ماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذارده میشود.

ماده ۲۲۷ مکرر - در مورد دو ماده فوق هرگاه مدعی خصوصی با منتهم بسرقت قرابت نسبی درجه اول دوم یا سوم و یا قرابت نسبی درجه اول یا دوم داشته باشد تعقیب یا گذشت مدعی خصوصی موقوف میشود اگر چه میزان مال بیش از صد و پنجاه ریال بوده و عین یا قیمت آن نیز بصاحب یا صاحبانش مسترد نشده باشد.

چون بموجب قانون ۴ تیرماه ۱۳۱۲ وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبور را تکمیل نموده تائیداً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید \* علیهذا ( قانون الحاق ماده ۲۲۷ مکرر بقانون مجازات عمومی ) مشتمل بر يك ماده که در تاریخ هیجدهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر